

گفت و گو با امیرعباس حبشی
رتبه‌ی ۲ کشور در رشته‌ی انسانی



تلاشی آهسته و پیوسته که نتیجه داد

تهیه و تنظیم: غلامحسین فرشادی، داوود اکبری و آریین احمدی

می‌توانند به سؤالات جواب بدهند. من در ریاضی ضعیف بودم و تفاوتم با رتبه‌ی یک، در این درس زیاد بود. من در آزمون‌های کانون هم، ریاضی را صفر می‌زدم اما بقیه‌ی درس‌ها را فوق‌العاده بالا می‌زدم؛ ولی در کنکور، ریاضی را تا جایی که توانستم جواب دادم تا ترازم زیاد پایین نیاید. ۲۶ درصد برایم کافی بود؛ اما به بقیه توصیه می‌کنم که به درصد پایین اکتفا نکنند. من اگر به قبل از عید برمی‌گشتم، بیش‌ترین تلاشم را به ریاضی اختصاص می‌دادم.

منشأً علاقه‌ات به عربی و ادبیات چیست؟ خانواده‌ات چه نقشی در این علاقه داشتند؟

من از راهنمایی به عربی علاقه داشتم. بالاترین نمره‌ها را هم در درس عربی و ادبیات می‌آوردم و خودبه‌خود باعث شد در دبیرستان هم به سمت این درس‌ها گرایش پیدا کنم. البته باید بگویم مقداری هم مربوط می‌شود به پسرخاله‌ام؛ ایشان هم رشته‌ی حقوق می‌خواند. در مورد خانواده‌ام و نقش

تو جزء کدام دسته از آدم‌ها بودی؟ کسانی که به خاطر علاقه به حقوق، تمام درس‌هایی را که مربوط به رشته‌ی مدیریت می‌شود کنار می‌گذارند یا جزء کسانی بودی که درس‌ها را در کنار هم می‌خواندی؟

دو حالت وجود دارد: آدم اگر به رتبه فکر کند، باید همه‌ی درس‌ها را بخواند و درصد بالا داشته باشد اما اگر مثلاً فقط به حقوق فکر کند درس‌هایی مثل ریاضی و روان‌شناسی کم‌رنگ‌تر می‌شود. در مورد خودم باید بگویم محال بود که درسی را کنار بگذارم. بیش‌ترین تمرکز روی درس ادبیات بود ولی بقیه‌ی درس‌ها را هم می‌خواندم.

به نظرت چرا بچه‌های انسانی درس ریاضی را نمی‌خوانند یا کم‌تر مطالعه می‌کنند؟ آیا به خاطر ضریب پایین این درس است یا به این درس علاقه ندارند؟

به نظر من بچه‌های انسانی اگر تمرین کنند و بخوانند، مانند بچه‌های ریاضی

چند صفحه‌ی پیش رو، همیشه خوانندگان و خواستاران خود را دارد. وقتی با نخبگان صحبت می‌کنی از آن‌ها چیزهایی یاد می‌گیری. امیرعباس حبشی، رتبه‌ی ۲ کشور در رشته‌ی انسانی از آمل به علاقه و لذت از درس، معنای جدیدی می‌دهد:

از اول دبیرستان به رشته‌ی مورد علاقه‌اش یعنی انسانی فکر می‌کرد. در خواندن درس‌ها خستگی‌ناپذیر بود و آرزویش یاد دادن به دیگران در کسوت یک معلم.

چرا رشته‌ی انسانی را انتخاب کردی؟

رشته‌ی انسانی را به خاطر علاقه به دروس تخصصی‌اش مثل عربی و ادبیات انتخاب کردم. از همان سال دوم دبیرستان به طور جدی این درس‌ها را خواندم و یادم نمی‌آید که در عربی و ادبیات، نمره‌ی کمی گرفته باشم.

نظرت در مورد آزمون‌های برنامه‌ای چیست؟

فصله‌ی دوهفته‌ای آزمون‌ها زمان مناسبی است و دیگر این که تعداد زیاد آزمون‌ها باعث از بین رفتن استرس می‌شود. آزمون‌های جامع هم که به مدت سه هفته پشت سر هم برگزار می‌شود، باعث ریکاوری ذهن می‌شود.

تو جزء بچه‌هایی هستی که معتقدند استعداد ریاضی فیزیک ندارند و در عوض حفظیات خوبی دارند یا جزء کسانی هستی که می‌گویی آدم سخت‌کوشی هستی و اگر ریاضی را بیشتر می‌خواندی نتیجه هم می‌گرفتی؟

من از اول دبیرستان تصمیم داشتم انسانی بخوانم؛ اما تصور می‌کردم رتبه‌ی یک انسانی هم ریاضی‌اش را صفر می‌زند. این تصور غلط باعث شد که ریاضی را جدی نگیرم. سال دوم متوجه شدم چه اشتباهی کرده‌ام که پایه‌ام را قوی نکرده‌ام. به نظر می‌آید اگر می‌خواستم، می‌توانستم در ریاضی بهتر از این باشم. من اگر برمی‌گشتم به سال اول دبیرستان، تمام تمرکز را روی ریاضی می‌گذاشتم. ریاضی سال اول، خیلی مهم است.

اگر می‌توانستی برگردی به عقب، دوست داشتی چه کار دیگری که نکرده‌ای انجام دهی؟

به زبان‌کده می‌رفتم. الآن به این نتیجه رسیده‌ام که زبان چه قدر اهمیت دارد. البته الآن شروع کرده‌ام و به زبان‌کده می‌روم.

به هوش اعتقاد داری یا سخت‌کوشی؟

من فقط به سخت‌کوشی معتقدم. من مثل بچه‌هایی نیستم که با یک‌بار دیدن یا شنیدن، چیزی را برای همیشه به خاطر بسپارم. به نظرم تلاش حتی بدون هوش، نتیجه می‌دهد. من درس خواندم و از آن لذت بردم.

چه‌طور از درس خواندن لذت بردی؟

به نظر من وقتی می‌شود از درس خواندن لذت برد که هدف و انگیزه‌ای در کار باشد. هدف من آوردن رتبه‌ی خوب و شاد کردن دل پدر و مادرم بود. من خیلی به کتاب درسی علاقه دارم. حتی از سال دوم به درس خواندن و نتیجه‌ی آن فکر می‌کردم.

اگر می‌گفتند امسال کنکور،

در مورد کارنامه‌های جمعه بگو. از نظر تو چه اهمیتی داشت؟

من بعد از هر آزمون پاسخ‌هایم را بررسی می‌کردم و متوجه می‌شدم که در چه درس‌هایی ضعف دارم. اهمیت کارنامه به نظر من به این بود که یک کارنامه‌ی مبحثی بود؛ یعنی مثلاً نشان می‌داد که در هر درس در چه سطحی هستیم، خوب، بد یا عالی ... من بر همین اساس روی ضعف‌هایم تمرکز و هدف‌گذاری می‌کردم.

در مورد تکنیک‌های ضربدر و منها و زمان‌های نقصانی چه نظری دارد؟ از آن‌ها استفاده هم کردی؟

بله؛ درست است که اوایل خیلی به این موارد توجه نداشتم اما در فروردین با این تکنیک‌ها آشنا شدم و ۴، ۵ آزمون آخر، آن‌ها را به کار بستم تا روی آن‌ها مسلط شدم. در کنکور هم در دروس عمومی از آن‌ها استفاده کردم و نتیجه هم گرفتم.

وقتی درس می‌خواندی، بیش‌تر به کمیت درس خواندن توجه داشتی یا کیفیت آن؟

به نظر من مهم این است که ساعت مطالعه، مفید باشد. من به جای این که از خودم رفع تکلیف کنم، به خاطر نتیجه گرفتن در کنکور درس می‌خواندم.

فکر می‌کنم دفتر برنامه‌ریزی برای دانشگاه هم مفید باشد. اتفاقاً هم‌اتاقی‌ام، آقای محسن سلطان‌نژاد، همین کار را کرده است و وقتی از او پرسیدم چرا دفتر برنامه‌ریزی خریده، گفت: «من تا شب کنکور این دفتر را پر کرده‌ام و به آن ایمان دارم و تا کارشناسی ارشد هم از آن استفاده می‌کنم.» او می‌گوید دفتر برنامه‌ریزی به درس خواندن نظم می‌دهد.



آن‌ها در این علاقه باید بگویم مادرم وقتی نمراتم را بررسی می‌کردند و می‌دیدند که در درس ادبیات و عربی، نمراتم بالاتر از ریاضی است تشویق می‌کردند که این درس‌ها را بیش‌تر بخوانم. البته ایشان هیچ‌وقت علاقه‌شان را به من تحمیل نکردند، حتی در انتخاب رشته‌ی دانشگاهی هم اجباری نداشتند که چه رشته‌ای را انتخاب کنم. من کاملاً بر اساس علاقه‌ام درس خوانده‌ام.

همان‌طور که می‌دانیم اصولاً درس‌های انسانی به خاطر متنی بودن، به سرعت فراموش می‌شوند و فرّار هستند. تو برای این مشکل، چه راهکاری داشتی؟

من پایه‌ی فوق‌العاده قوی‌ای داشتم و به دروس دوم و سوم دبیرستان مسلط بودم. در تابستان دروس پایه را تمام کردم و وقتی مدارس باز شد هم‌زمان با دروس پیش‌دانشگاهی دوباره دروس پایه را خواندم. در حقیقت در آن سال، ۴ بار دروس پایه و ۳ بار دروس پیش‌دانشگاهی را دوره کردم. به همین دلیل سر جلسه‌ی کنکور تمام مطالب، ملکه‌ی ذهنم شده بود. البته ۳ آزمون جامع کانون هم فوق‌العاده عالی و استاندارد بود. به خصوص سؤالات ادبیات اختصاصی و فلسفه که ۹۹ درصد شبیه به کنکور بودند.

برنامه‌ریزی درسی‌ات به چه صورت بود؟

من از مشاور کمک گرفتم. اعتماد زیادی به ایشان داشتم، به حرفشان عمل می‌کردم. البته اگر با دفتر برنامه‌ریزی کانون پیش می‌رفتم شاید رتبه‌ام یک می‌شد! فکر می‌کنم دفتر برنامه‌ریزی برای دانشگاه هم مفید باشد. اتفاقاً هم‌اتاقی‌ام، آقای محسن سلطان‌نژاد، همین کار را کرده است و وقتی از او پرسیدم چرا دفتر برنامه‌ریزی خریده، گفت: «من تا شب کنکور این دفتر را پر کرده‌ام و به آن ایمان دارم و تا کارشناسی ارشد هم از آن استفاده می‌کنم.» او می‌گوید دفتر برنامه‌ریزی به درس خواندن نظم می‌دهد.

خلاصه‌نویسی و نت‌برداری هم داشتی؟

بله؛ البته درس‌هایی مثل تاریخ و جغرافیا را نمی‌شود مثل بقیه‌ی درس‌ها خلاصه‌نویسی کرد و من سعی کردم این دو درس را در سال‌های قبل از کنکور خوب بخوانم.

آزمایشی بوده و باید سال دیگر باز هم شرکت کنی، باز هم این مسیر را ادامه می‌دادی؟

بله؛ من با درس‌ها ارتباط برقرار کرده بودم به طوری که می‌توانستم ۱۲، ۱۳ ساعت درس بخوانم و خسته نشوم.

و یک نکته‌ی آموزنده: «کنکور سخت نیست اگر درس خواندن را دوست بداری.» گفته بودی می‌خواهی استاد دانشگاه شوی!

من از دوران راهنمایی شغل معلمی را دوست داشتم. این علاقه تا به امروز هم با من همراه است. به همین دلیل دوست دارم استاد دانشگاه شوم. حتی به خاطر داشتن این علاقه، بعد از عید به خانه‌ی یکی از هم‌کلاسی‌هایم می‌رفتم و به او منطق و عروض و قافیه درس می‌دادم.

شب قبل از کنکور راحت خوابیدی؟ خیلی راحت! سر جلسه، کوچک‌ترین استرسی نداشتم. به نظر من یکی از رموز موفقیت، نداشتن استرس سر جلسه‌ی کنکور است.

چه خاطره‌ای از بعد از کنکور داری؟ دانشگاه که شروع شد، همه‌ی بچه‌های حقوق را اردو بردند. امین صیقل‌زنان همیشه جزء برترها در مجله‌ی آزمون بود. من اصلاً امین صیقل‌زنان را ندیده بودم همه‌ی ما انتظار داشتیم او اول شود اما سر جلسه، بینی‌اش خون آمد و مجبور شد ۲۵ دقیقه بیرون بماند و رتبه‌اش ۲۰ کشوری شد. تصویر دیگری از او در ذهنم بود ولی بسیار خوش‌برخورد بود. در خاطر امین انسان دانا و دوست‌داشتنی است.

دوری از خانواده برایت سخت نیست؟

خوب، دلم تنگ می‌شود اما امیدوارم تا جایی که امکان دارد بتوانم به ایران و ایرانی کمک کنم.

استقلالی هستی یا پرسپولیسی؟ اصلاً تلویزیون نگاه می‌کنی؟

استقلالی. البته از تلویزیون فقط اخبار را دنبال می‌کنم. من از همین حالا به ارشد فکر می‌کنم.

سینما هم می‌روی؟

در سال کنکور اصلاً نرفتم.

از علاقه‌مندی‌های دیگرت بگو.

در ورزش به شنا و شطرنج علاقه دارم. در دوران تحصیل یک بار در شهرمان مقام اول را در رشته‌ی شطرنج آوردم. قبلاً رمان نمی‌خواندم اما الان سعی می‌کنم کتاب‌های غیر درسی هم بخوانم. باید بگویم در سال کنکور حتی یک کتاب غیر درسی هم نخواندم.

مجله‌ی آزمون را می‌خواندی؟

همیشه! مخصوصاً مطالبی که در مورد ادبیات بود خیلی مفید بود. مصاحبه با رتبه‌های برتر را هم همیشه می‌خواندم و انگیزه می‌گرفتم.

به عنوان حرف پایانی چه صحبتی برای بقیه‌ی بچه‌ها داری؟

حرفم به بچه‌ها این است که درس خواندن و کتاب خواندن را یک چیز تحمیلی ندانند. من هر وقت خسته می‌شدم این شعر را با خودم زمزمه می‌کردم:
**رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود
رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود**



گفت و گو با مهسا رسولی، دانش آموز

اسم من بیش از ۳۰ بار در



معمولاً در سال سوم، هفته‌ای چند ساعت درس می‌خواندی؟

معمولاً ۲۰ ساعت.

اکنون که سال تحصیلی شروع شده، هفته‌ای چند ساعت درس می‌خوانی؟

بین ۳۰ الی ۴۰ ساعت.

کدام یک از زوج‌درس‌ها را انتخاب کرده‌ای؟ برای نیم‌سال اول، درس‌های پایه‌ی سال دوم را می‌خوانی یا سال سوم؟ چرا؟

درس‌های سال دوم؛ چون فکر می‌کنم درس‌های سال سوم را بهتر یاد گرفته‌ام و ترجیح می‌دهم سال دوم را بخوانم.

آیا در سال سوم درس هر روز را همان روز می‌خواندی؟ آیا در سال کنکور هم می‌خواهی درس هر روز را همان روز بخوانی؟

نه متأسفانه این کار را انجام نمی‌دادم؛ اما امسال سعی می‌کنم انجام دهم؛ چون به تثبیت مطالب کمک می‌کند و باعث صرفه‌جویی در وقت می‌شود.

نظرت درباره‌ی برنامه‌ی راهبردی آزمون‌ها چیست؟ چه قدر به برنامه پیوستگی داری؟

برنامه‌ی کانون این امکان را می‌دهد تا اگر

سال چهارم تجربی از اصفهان

مجله‌ی آزمون چاپ شده است



تهیه و تنظیم: سیدرسول اسلامی

مصاحبه با کدام رتبه‌ی برتر برایت جالب‌تر و آموزنده‌تر بود؟ چه آموزه‌ای برایت داشت؟

مصاحبه با کیمیا کاظمی، رتبه‌ی ۴ که برایم بسیار مفید بود و تجربه‌های زیادی در اختیار من گذاشت و باعث شد تا دیگر راه‌های اشتباه را تکرار نکنم و هم‌چنین با مقایسه‌ی خود با او دریافتم که می‌توانم مانند او در کنکور موفق شوم.

آیا خاطره‌ی خوبی از مجله‌ی آزمون داری؟

اولین بار که اسمم در مجله‌ی آزمون چاپ شده بود و من رتبه‌ی ۳۶ کشوری را در سال دوم کسب کردم، برایم بسیار خوشحال‌کننده بود.

پیشنهادی برای دانش‌آموزانی که مانند تو برای کنکور درس می‌خوانند، داری؟

با تلاش و پشتکار درس بخوانند. هیچ‌گاه روحیه و انگیزه و اعتمادبه‌نفس خود را از دست ندهند و بدانند که با تلاش و پشتکار حتماً به هدف مورد نظر خود می‌رسند. اعتمادبه‌نفس، عامل مؤثری در رسیدن به هدف است.

در پایان اگر حرف خاصی داری، بگو.
از پشتیبانم تشکر می‌کنم که بسیار مرا حمایت روحی و درسی می‌کنند و هم‌چنین از خانم پارسایی که امکانات لازم را در اختیار من می‌گذارند سپاسگزارم.

نقش مؤثری برایم دارند. هم از نظر روحی و هم از نظر امکانات تحصیلی مرا حمایت می‌کنند و محیطی بسیار آرام و مناسب را برای مطالعه‌ی من فراهم می‌کنند.

فکر می‌کنی سال چهارم دبیرستان (سال کنکور) با سال‌های قبل چه فرق‌هایی داشته باشد؟

بسیار متفاوت است و باید اوقات خود را بیش‌تر به درس، اختصاصی دهیم و اوقات فراغت خود را کمی کاهش دهیم و با تمرکز بیش‌تری درس بخوانیم.

چگونه با کانون آشنا شدی؟

دوستانم در آزمون‌های کانون شرکت کردند و از کانون راضی بودند و مرا هم تشویق به شرکت در کانون کردند.

الان چند سال است که در آزمون‌های کانون شرکت می‌کنی؟

از سال دوم دبیرستان. امسال، سال سوم است که شرکت می‌کنم.

علت این حضور مداومت در کانون چه بوده است؟

برنامه‌ی راهبردی و دوهفته‌ای بودن آزمون‌ها. هم‌چنین با جامعه‌ی آماري گسترده، تصویر بهتری را از خودم در میان سایر داوطلبان پیدا می‌کنم.

اکنون، میانگین تراز و رتبه‌ات در کانون چند است؟

میانگین تراز، ۷۹۰۰ و رتبه‌ام زیر ۵ است.

دوست داری در کنکور چه نتیجه‌ای بیاوری؟ چه رتبه‌ای را برای خودت پیش‌بینی می‌کنی؟

دوست دارم رتبه‌ی یک‌رقمی شوم. به رتبه‌ی ۳ علاقه‌ی زیادی دارم و امیدوارم آن را کسب کنم.

فکر می‌کنی تاکنون چند بار اسم یا عکست به عنوان دانش‌آموز برتر در مجله‌ی آزمون چاپ شده است؟

دقیق نمی‌دانم اما فکر می‌کنم بیش از ۳۰ بار چاپ شده باشد.

مجله‌ی آزمون را چه‌قدر مطالعه می‌کنی؟

بعد از هر آزمون، آن را مطالعه می‌کنم به خصوص قسمت مصاحبه با برترها که برایم بسیار جالب است و باعث افزایش انگیزه و پشتکار در من می‌شود.

مبحثی را نتوانستیم مطالعه کنیم، در آزمون بعدی جبران کنیم. برنامه‌ی خیلی خوبی است و باعث می‌شود که بتوانیم مباحث را چند بار بخوانیم و مرور کنیم؛ هم‌چنین برنامه‌ی راهبردی کانون، پایه و اساسی برای برنامه‌ریزی روزانه است. سعی می‌کنم مطابق با آزمون‌ها پیش بروم و تقریباً بالای ۹۰ درصد، برنامه را اجرا کنم.

دفتر برنامه‌ریزی چه نقشی برایت ایفا می‌کند و چه تأثیری دارد؟

باعث می‌شود که از وضعیت مطالعه‌ی خودم آگاه باشم و کم‌کم ساعات مطالعه را افزایش دهم. هم‌چنین باعث نظم‌دهی به برنامه‌ی درسی می‌شود.

آیا کتاب خودآموزی را تهیه کرده‌ای؟ نظرت درباره‌ی کتاب خودآموزی چیست؟

بله؛ تهیه کرده‌ام. کتاب خوبی است و می‌توانیم سؤالات مهم آزمون و سؤالاتی را که غلط زده‌ایم و به طور ناقص یاد گرفته‌ایم در آن یادداشت کنیم و در آخر، یک مجموعه‌ی کامل و جامع و مفیدی از تمام نکات و سؤالات مهم در اختیار داشته باشیم.

خانواده‌ات در مسیری که برای کنکور شروع کرده‌ای، چگونه از تو حمایت می‌کنند؟

آیا کتاب خودآموزی را تهیه کرده‌ای؟ نظرت درباره‌ی کتاب خودآموزی چیست؟

بله؛ تهیه کرده‌ام. کتاب خوبی است و می‌توانیم سؤالات مهم آزمون و سؤالاتی را که غلط زده‌ایم و به طور ناقص یاد گرفته‌ایم در آن یادداشت کنیم و در آخر، یک مجموعه‌ی کامل و جامع و مفیدی از تمام نکات و سؤالات مهم در اختیار داشته باشیم.